

فقیران را پناهی نیست

حسین ملایی

مدیرمسئول

چهره کریمه فقر در کشور نشان از رنج فراوان مردمی است که نه از مشیت الهی، بلکه بر اثر بی‌تدبیری و بی‌کفایتی مدیران و برنامه‌ریزان کشور حاصل شده است. جمعیت روزافزون فقیران و مستمندان که هر روز طالب پیوستن به کمیته امداد امام خمینی^(ع) هستند، نشان از عمق این اتفاق غم‌انگیز دارد. تعطیلی پیوسته کارخانه‌ها و مؤسسات، بیکاری کارکنان آنها، تورم افسارگسیخته بعد از حوادث اخیر از جمله چند برابر شدن قیمت ارز، تحریم‌های کمرشکن و ناتوانی مدیران برای عبور از چنین بحرانی، رنج و اندوه را بر این لشکر فقیران افزوده است.

کشور بر اثر آسیب‌های اجتماعی دچار بحران شده است، فریاد اعتراض دلسوزان مسائل اجتماعی راه به جایی نبرده است و هر روز جمعیتی بر اثر اعتیاد و سرقت و... راهی زندان می‌شوند. اکنون این بحران تشدید شده است. آنچه تحمل را از این جماعت فقیر ستانده اختلاف عمیق طبقاتی است که ایجاد شده است؛ آنها می‌بینند که گروهی از همه امکانات رفاهی برخوردارند ولی خودشان به نان شب محتاج!

تأسف‌بار اینکه خیل عظیمی از مدیران کشور با در اختیار گرفتن امکانات مختلف و دریافت حقوق و مزایایی با فاصله زیاد از کارکنان خود، تحمل این وضعیت را سخت‌تر کرده‌اند. وضع موجود، نسلی را پدید خواهد آورد که عاصی و طاغی خواهند بود و تمام روابط اجتماعی را که به صورت سنتی ایجاد شده بود بر هم خواهند زد.

باید نگران و منتظر ناآرامی‌هایی از این نوع باشیم که هیچ رفتار معقولانه‌ای را بر نمی‌تابند.

روشن است ۱۲ میلیون حاشیه‌نشین، ۳ الی ۴ میلیون نفر معتاد، ۲/۶ میلیون نفر زن سرپرست خانوار نیازمند حمایت مستقیم، ۵ میلیون دانشجو و سالی یک میلیون نفر فارغ‌التحصیل که کار برایشان فراهم نمی‌شود، تهدید جدی برای کشور هستند...

اما ریشه‌های فقر و راه مبارزه با آن چگونه است و عوامل مؤثر در افزایش فقر چیست؟ عامل اصلی فقر در ایران «نظام تولید» و «نظام توزیع درآمد و ثروت» است.

ایران نظام مالیاتی بسیار عقب‌مانده‌ای دارد که نمی‌تواند از ثروتمندان و صاحبان درآمد بالا و حتی صاحبان درآمد بادآورده مالیات مکفی بگیرد تا منابع دولت برای برنامه‌های حمایتی تأمین شود. در این معرکه منابع اصلی مانند نفت، صرف پرداخت یارانه‌ها می‌شود. از این منظر هم کفگیر دولت به ته دیگ خورده است. با این وضع نسل جدیدی که بازنشسته می‌شود، به خیل فقرا خواهد پیوست. این وضع تا وقتی که سازوکار معیوب تولید و نظام انگیزش‌های مالی را اصلاح نکرده‌ایم و تا زمانی که ائتلاف گسترده منابع در اقتصاد وجود دارد، ادامه خواهد داشت و همواره این فقر با ماست و به سادگی هم ریشه‌کن نمی‌شود.

بارها گفته شده و باز هم گریزی از بیان این نکته نیست که اقتصاد ایران وابسته به نفت است. زمانی که دولت در حال توزیع رانت حاصل از نفت بین طبقات اجتماعی است، فساد شکل می‌گیرد. دعوا و درگیری سر توزیع رانتهی است که همه دولت‌ها آن را توزیع می‌کنند. توزیع رانت‌های غیرمولد، همه انسانهای فاسد و انحصارطلبان را دور دولت جمع می‌کند. آنها می‌خواهند از این رانت استفاده کنند. در این میان همه طبقات اجتماعی هم از دولت طلبکارند؛ چه ثروتمندان و منتقدان، چه نهادها و چه مردم فقیر، همه می‌خواهند دولت همه مسائلشان را حل کند. دولت هم که نظام مالیاتی مناسب و بودجه‌ریزی درستی ندارد، منابع را هدر می‌دهد؛ به این ترتیب این دور باطل مدام تکرار می‌شود. می‌خواهم بگویم فقر محصول سیاست‌ها و نهادهای معیوب است. این نهادهای معیوب هم به این دلیل به فعالیتشان ادامه می‌دهند که عده‌ای از این وضع منتفع می‌شوند. ذی‌نفعانی دارد و بنابراین هیچ‌کس جرأت نمی‌کند منافع گروه‌های ذی‌نفع را به مخاطره بیندازد.

مبارزه با این موارد تاکنون راه به جایی نبرده است.

برای نمونه وقتی دولت جناب آقای روحانی سر کار آمد، طرح سلامت را به اجرا گذاشت که در مرحله نخست اجرا موفق و باعث رضایت مردم علی‌الخصوص فقرا و نیازمندان بود. اما وقتی به ریشه‌های این موضوع نگریسته می‌شود، نظام پرداختی در چارچوب این طرح برپا کردند که بسیار ناعادلانه بود. آن زمان آینده را ندیدند، اینکه این طرح در درازمدت چنان بودجه عظیمی را طلب خواهد کرد که دولت از عهده پرداختش بر نمی‌آید، یعنی کاری با نیت خیر شروع شده ولی به توان دولت و آینده توجه نشده است. اینها خود به ریشه‌های فساد تبدیل می‌شود که نمی‌توان آن را کند. با همه اینها دولت نقش محوری در مبارزه با فقر دارد و گفته می‌شود برای مبارزه با فقر و نابرابری دولت باید از دو راهبرد استفاده کند. یکی بهبود کسب و کار و فراهم ساختن زمینه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی و دیگری توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های مناسب و امنیت لازم برای آنها.

توانمندسازی فقرا رابطه بسیار نزدیکی با ظرفیت کسب درآمد دارد. درآمد هم عامل تعیین‌کننده و هم پیامد مهم توانمندی و افزایش قابلیت‌هاست. راه خاص مشارکت فقرا در رشد عبارت است از افزایش استفاده یا افزایش بهره‌وری استفاده از فراوان‌ترین دارایی‌ها یعنی کار. از این طریق است که می‌توان درآمد پایدار و مطمئنی را برای آنها خلق کرد. البته یادآور می‌شود که دولت برای بهبود محیط کسب و کار و توانمندسازی فقرا، ابتدا باید اصلاحات ساختاری لازم را در درون خود ایجاد کند؛ به نحوی که بتواند بر اساس معیارهای حکمرانی خوب، سیاستها و برنامه‌های خود را به اجرا گذارد. بر این اساس ایجاد اصلاحات ساختاری در درون دولت اولین قدم در مبارزه با فقر است. چرا که دولت‌ها نقش مهم و بزرگی در گسترش نابرابری و فقرزایی دارند. ایجاد اصلاحات ساختاری در درون دولت نیز همبستگی شدیدی با تقویت روندهای مردم‌سالاری و مشارکت فعالانه آحاد مردم از فقرا گرفته تا اغنیا در تصمیم‌های سیاستی و فعالیت‌های اجتماعی دارد.